

جهان‌شهر

یکشنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۳

شماره ۴۱۷۹

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

جریان‌شناسی انتخابات در انگلستان و فرانسه

هوک چپ و راست در اروپا



سیدمهدی طالبی

دبیرکروه جهان‌شهر

همزمان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایران برای انتخاب رئیس دولت، انگلیس و فرانسه نیز شاهد برگزاری انتخابات‌های پارلمانی برای برگزیدن نخست‌وزیر بوده‌اند. تنها چند ماه دیگر آمریکا نیز شاهد انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود. این وضعیت نیازمند بررسی کاملی است. تهران بدون واکاوی تغییرات مهم در محیط بین‌المللی قادر به حرکت صحیح و موثر در این محیط نخواهد بود. شاید غرب همه جهان نباشد اما تقریباً بخش عمده جبهه رویارو با تهران به حساب می‌آید.

نکات

نتایج انتخابات انگلیس و فرانسه به شکل زنده در دسترس قرار دارند و احتمالاً انتخابات آمریکا نیز با نتیجه‌ای مشابه به افتادن دولت در دست جریان رقیب منتهی شود. در این خصوص نکاتی وجود دارد:

۱. پارلمان انگلیس و فرانسه تقریباً به‌طور همزمان منحل شدند. پارلمان انگلیس در ۲ خرداد (۲۲ می) به درخواست نخست‌وزیر و تأیید پادشاه این کشور منحل شد و امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه نیز پارلمان کشورش را در ۲۰ خرداد (۹ ژوئن) منحل کرد. دور نخست انتخابات پارلمانی دومرحله‌ای فرانسه در ۱۰ تیر (۳ ژوئن) برگزار شده و دور دوم آن نیز در ۱۷ تیر (۷ جولای) برگزار می‌شود. انتخابات پارلمانی انگلیس نیز در روز ۱۴ تیر (۷ جولای) برگزار شد. همزمانی التهاب سیاسی در این دو کشور که منجر به انحلال پارلمان شدند، نشان می‌دهد اتفاقات دو کشور می‌توانند مشابهت‌ها و ارتباطاتی با یکدیگر داشته باشند.

۲. در انگلیس حزب کارگر که حالا به‌سازاری شده و بار دیگر به خاستگاه چپ خود بازگشته به قدرت رسید. از سوی دیگر راست‌های افراطی در دور اول انتخابات پارلمانی می‌حزب اول تبدیل شده و احتمال می‌رود در دور دوم حتی بتوانند به اکثریت لازم برای تشکیل دولت دست یابند. انگلیس پس از ۱۴ سال از راست‌گرایان حزب محافظه‌کار به چپ‌گرایان حزب کارگر چرخید و فرانسه نیز به مرور از چپ میانه به راست میانه و حالا به‌سمت راست افراطی درحال گردش است.
۳. در راست‌های افراطی در غرب هردو به‌دنبال بهبود وضعیت اقتصار ضعیف هستند. چپ‌ها خاستگاه و شعار اصلی‌شان بهبود اقتصار فروافتاد است اما راست‌های افراطی نیز به دلیل قدرت‌گیری بر اثر پدیده مهاجرت دیدگاه‌های مشابهی دارند. راست‌های افراطی معتقدند مهاجران باعث شده‌اند فرصت‌های شغلی بومی‌ها از بین رفته و دستمزدهایشان کاهش یابد. به عبارتی دیگر این گروه مدافع اقتصار فرودست البته از جنس بومی آن است. در سیاست خارجی نیز این دو مشابهت‌هایی دارند. احتمالاً برخلاف راست‌گرایان حزب محافظه‌کار، حزب کارگر تمایل کمتری به هزینه در جنگ اوکراین داشته باشد. حزب راست افراطی اجتماع ملی فرانسه نیز مخالفت خود با صرف هزینه برای جنگ اوکراین را آشکارا اعلام کرده است. شباهت رفتاری این دو دسته قابل توجه و محل اعتناست.

همکاری مقاومت عراق و ارتش یمن در دریای سرخ و شمال آفریقا چه معنایی دارد؟

ستون‌های مقاومتی برای گسترش محور



که رسانه‌های رژیم صهیونیستی گزارش داده‌اند، این دو کشور عربی قصد دارند تا نیرو و تسلیحات خود را به شمال آفریقا انتقال داده و از آنجا یک جبهه جدید علیه صهیونیست‌ها تشکیل دهند. رسانه‌های عبری گمان می‌کنند سناریوی تهدیدآمیز ارتش یمن، «شلیک موشک به سمت دریای مدیترانه» است. اگر آنها دست به چنین اقدامی بزنند، در این صورت دیگر تهدید یمنی‌ها محدود به بندر ایلات و دریای سرخ نخواهد بود، بلکه این تهدید فائز رفته و حتی متوجه نزدیک‌ترین مواضع به خاک اشغالی نیز خواهد شد.

همکاری مشترک

در نهمین ماه جنگ شش‌هکه‌المسیره یمن از عملیات نوین با ائتلاف دو کشور عربی جبهه مقاومت خبر داده است. یمن و عراق با یکدیگر متحد شده و مواضع رژیم صهیونیستی را در دریای سرخ و همچنین شهر بندری حیفادر سرزمین‌های اشغالی مورد هدف قرار دادند. پس از اعلام خبر موفقیت این عملیات، یمن اعلام کرد که پیش‌تر نیز عملیات یگان پهپادی، موشکی و دریایی ارتش این کشور به همراه نیروهای مقاومت اسلامی در دریای سرخ انجام شده است. با اتحاد و هم‌پیمانی این دو جبهه در عملیات‌های نظامی علیه رژیم، کار صهیونیست‌ها برای دفاع دشوارتر خواهد شد. عراق موشک و پهپادهایش را از شرق به مواضع ثابت در خاک سرزمین اشغالی شلیک می‌کند و به‌طور همزمان نیز یمنی‌ها از جنوب حمله مشابهی با تارکام می‌بینند. حمله موشکی به‌صورت همزمان واژدو زاویه متفاوت به مواضع رژیم باعث می‌شود سامانه‌های پدافندی صهیونیست‌ها کار سختی برای شناسایی و مقابله با پرتابه‌ها داشته باشند. به این ترتیب رژیم توان دفاعی کمتر و ضعیف‌تری در حملات ترکیبی خواهد داشت. این پدیده دشواری‌های دیگری نیز برای جبهه غربی دارد. آمریکا برای جلوگیری از حملات

رقیب می‌شود. به‌طور خلاصه انگلیس به دلیل مشکلات اقتصادی تصمیم به بهبود روابط با چین گرفته است و فرانسه نیز در آستانه تقویت جایگاه روسیه در سیاست خارجی خود است.

۵. پنج‌ماه دیگر آمریکا شاهد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است. از طرف حزب دموکرات جو بایدن نامزد شده و گزینه جمهوری خواهان دونالد ترامپ است. پیش‌بینی هانشان می‌دهد حزب جمهوری خواه پیروز این رقابت خواهد بود. حزب دموکرات به دلیل مشکلاتش از رقیب عقب است اما با معضل جدیدی مواجه شده که مدت‌ها بود نهفته بوده و محل نگرانی به حساب می‌آمد. کهنسال‌ی بایدن در نخستین مناظره وی با ترامپ به چشم همگان آمد تا جایی که دو سوم بینندگان او را بازنده دانستند. با این وجود رئیس جمهور آمریکا گفته قصد کناره‌گیری از رقابت‌ها را ندارد. روی کارآمدن ترامپ که گرایش‌های راست افراطی و نزدیک به روسیه دارد، می‌تواند وضعیت در آمریکا را نیز تغییر دهد. او گرچه خواهان فشار به چین است اما مشخصاً مشکلی با روسیه ندارد. راست‌های افراطی همراه با ترامپ ازجمله استیو بنن مشاور سابق و معتقدند تمدن غربی برای مهار چین به کمک روسیه نیاز دارد. این دیدگاه توسط برخی ساختارهای دولت عمیق آمریکا نیز تأیید می‌شود زیرا آنها براساس یک دیدگاه قدیمی و جنگ سردی اعتقاد دارند وااشنگتن نمی‌تواند و نباید همزمان به نبرد با پکن و مسکو بپردازد. بهبود احتمالی روابط فرانسه و آمریکا با روسیه و همچنین کاهش اصطکاک این کشور با انگلیس می‌تواند جایگاه مسکو در جهان را ارتقا دهد. همزمان نزدیک‌تر شدن لندن به پکن و احتمالاً کاهش بیشتر اصطکاک پاریس

با این کشور می‌تواند برای چین نیز خوشایند باشد.

۶. باز تنظیم برخی از دگریری‌های موجود میان غرب با چین و روسیه می‌تواند برای ایران مخاطراتی داشته باشد. غرب با کاهش تحرکاتش در برابر این دو کشور برای حفظ وحدت و توان خود نیازمند دشمن است. بر این اساس تحولات مزبور می‌تواند برای ایران به معنای افزایش فشار باشد.

نکاتی برای رئیس‌جمهور منتخب ایران

مسعود پزشکیان منتخب چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری باید قادر به شناخت و مدیریت اوضاع در سیاست خارجی خود باشد.

۱. گفت‌وگو و رابطه دولت ایران با غرب برای رفع تحریم و موازنه جهانی کشور ایده‌ای خوب به نظر می‌رسد اما رئیس‌جمهور منتخب نباید با نگاه سنتی به این سمت برود. هنگامی که در لندن اتفاقی به سود چین و روسیه رخ داد و تکرار آن در پاریس و سپس با فاصله‌ای چند ماهه در واشنگتن محتمل است، بی‌توجهی به روابط با قدرت‌های شرقی می‌تواند زیان بار باشد.

۲. تحولات محیط داخلی ایران بیشتر از آنکه با تحولات چین و روسیه مشابهت داشته باشد، با تحولات محیط‌های غربی شباهت دارد. تغییر بی‌درپی دولت‌ها در فواصل مختلف، برگزاری انتخابات‌های منظم و زود هنگام و رقابتی بودن شان این مساله را نشان می‌دهد. با این وجود شباهت نظام‌های داخلی به معنای موافقت این نظام‌ها در سیاست خارجی با یکدیگر نیست. این مساله را رفتارهای طولانی مدت غرب در منطقه نشان می‌دهد. آنها روابط مستحکمی با نظامی‌های سیاسی متصل و حتی رژیم جنایتکار صهیونیستی دارند اما قاتل به همکاری با ایران و حتی همراهی با خواست نظرات مردم در دموکراسی ترکیه نیستند. در مقابل چین و روسیه روابط بهتری با ایران برقرار کرده‌اند. پزشک‌یکان نباید تحت تأثیر هیجانات انتخاباتی و سخنانی درباره شباهت نظام سیاسی ایران به غرب به سمت این جبهه که روی خوشی برای تهران ندارد، غش کنند.

۳. ایران برای مهار سیاست‌های خصمانه غرب نیازمند ابزار است همان‌گونه‌که چین و روسیه عمل کرده‌اند. تفاوت ظرفیت‌های چین و روسیه در این زمینه برای فهم مساله کمک‌کننده‌اند. قدرت اقتصادی چین طرف‌های مقابل را به احترام وامی‌دارد و روسیه در ترکیبی از قدرت سایبری، نفوذ سیاسی و اطلاعاتی که در حمایت از راست‌های افراطی هویدا است دشمن را به احترام مجبور می‌کند. ایران نیز باید در ترکیبی از ظرفیت‌های داخلی و ابزارهای در دستش طرف مقابل را به رعایت احترام و حفظ منافع خود وارد کند. مذاکره بدون این دو هیچ است.

۴. کاهش تنش‌ها میان غرب با چین و روسیه، آنها را به سمت اعمال فشار بیشتر علیه ایران خواهد کشاند. آنها در این صورت نیازی به حل و فصل رابطه با تهران ندارند زیرا برای تأمین نیازشان به یک دشمن و متحد ماندن حول تنش با آن دست به چنین اقدامی می‌زنند. عدم گرم شدن این تنش‌ها با گفت‌وگو میسر نیست و نیازمند قدرت نظامی قابل توجه در ایران و تقویت محور مقاومت است تا آنها را از اقدامات غیرعاقله باز دارد. در این صورت تنش‌های ناگزیر کم‌خطرتر خواهد بود. رئیس‌جمهور منتخب باید نسبت به این نکته هوشیار باشد. اگر دولت ایران در برابر این صحنه تمرکز را بر مذاکره گذاشته و از تقویت توان نظامی داخلی و محور مقاومت خودداری کند وضعیت دشواری سیاسی یافت.

غربی هم عقب‌نشسته و توقف کامل اقدامات رژیم صهیونیستی را خواهان هستند، احتمالاً قصد دارند تا در گام بعدی خود علیه رژیم وارد عمل شده و با ائتلافی که پیش‌تر با نیروهای مقاومت عراق رقم زده‌اند، در شمال آفریقا ایجاد کنند. دو کشور یمن و عراق، به‌عنوان دو کشور متحد کهن عربی بنا دارند تا محور مقاومت را در دیگر مناطق عربی گسترش دهند. این منطقه از چند جهت برای نیروهای مقاومت حائز اهمیت است. ابتدا آنکه طی این نقل و انتقال، یمنی‌ها نسبت به تنگه جبل الطارق یعنی نقطه اتصال میان اروپا و آفریقا و میان مدیترانه و اقیانوس اطلس احاطه پیدا می‌کنند. آنچه توسط نیروهای اطلاعات امنیتی رژیم صهیونیستی مطرح شده حاکی از نقل و انتقال نیرو و تسلیحات یمن به این مناطق است، پس از ادعای رسانه‌های یمنی برگسترش جبهه مقاومت یمن و انتقال آن به شمال آفریقا، منبع آگاهی از جانب رژیم صهیونیستی سناریوی احتمالی تهدیدآمیز یمن را مطرح کرد. او «شلیک موشک ارتش یمن به سمت دریای مدیترانه» در این فضا را محتمل دانسته و اعلام کرد که اگر این اقدام تهدیدآمیز یمن محقق شود، «برای رژیم صهیونیستی فاجعه‌ای رقم خواهد زد». اگر طبق ادعای رسانه‌ها، نیروهای مقاومت از جانب آفریقای شمالی رژیم را تحت فشار قرار دهد در این شرایط تهدیدات پیش‌رو مانند اقدامات گذشته تنها محدود به بندر ایلات یا دریای سرخ نخواهد بود. در این شرایط آنها با استقرار در این منطقه می‌توانند به‌طور مستقیم سواحل رژیم در مدیترانه را مورد حمله و هدف قرار دهد. رژیم از شرق با جبهه عراق، از جنوب و دریای سرخ با یمن و از این پس از جنوب غربی و غرب نیز تحت فشار نیروهای مقاومت خواهد بود. اگر تحرکات یمن پیش از این به دریای سرخ محدود بود حالا با نزدیکی بیشتر به سواحل رژیم می‌تواند در مسافت کمتری رژیم را تهدید کند.

این منطقه فی‌نفسه نیز برای نیروهای مقاومت حائز اهمیت است. یکی از ویژگی‌های شمال آفریقا حضور تجار صهیونیست و سرمایه‌گذاران صهیونیست است. یکی از اهداف ترسیم‌شده از جانب نیروهای مقاومت نیز به این امر مربوط می‌شود. آنها می‌خواهند ضربه‌ای بزرگ به شبکه‌گسترده شده صهیونیست‌ها وارد کنند. اگر صهیونیست‌ها به آب‌تنش و عقب‌نشینی از غزه تن ندهند باید شاهد افزایش فشارها بر خود باشند.

مساله دیگر موقعیت سوق الجیشی این منطقه به‌منظور کمک‌رسانی به نوار غزه است. برای مدت‌ها سودان با لیبی مسیر تدارکات‌رسانی نظامی به مقاومت غزه بوده است. تقویت جایگاه مقاومت در این مناطق می‌تواند به تقویت مسیر تدارکات‌رسانی به غزه حتی در شرایط ویژه کنونی منجر شود.

مقاومتی شکست‌ناپذیر

بسیاری از کارشناسان درخصوص اقدامات نیروهای مقاومت به‌ویژه کشور یمن به این باور رسیده‌اند که ارتش این کشور برخلاف تصور بسیاری از تحلیلگران غربی می‌تواند علی‌رغم اقدامات تلافی‌جویانه غرب و فشارهایی که از جانب کشورهای غربی متوجه این کشور می‌شود، جنگ نامتقارن را در پیش گرفته و معادلات نظام جهانی را بر هم بزند. یمن به‌گونه‌ای توانمندی‌های خود را اثبات کرده که حلالدشمن‌مجبور است گام‌ها و تهدیدات این کشور را جدی بگیرد.